

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها
فرستنده : جاوید
۰۱ دسمبر ۲۰۱۸

گفت و گوی دو شهر ۱

۱

شهر ستالین به شهر لنین

ز دروازه هند و ایران و چین برو، ای صبا، تا به شهر لنین
ز کلخوزچی و فعله این دیار خبرده به آن کشور نامدار
کز این پیش، یک نیم ما، مرده بود گل بخت ما، نیم پژمرده بود
ستمکش به گهواره جهل بود اسیرستمگر شدن سهل بود
فتادی به فتوای تازی کتاب زن از بطن مادر، به حبس نقاب
فلج بود چون نیم اندام ما مکمل نبود هیچ اقدام ما
چو از لشکر سرخ، این مرز و بوم بشد پاک از باسمه چی های شوم
زن از پرده، مثل گل آزاد شد زشورا، همه کشور آباد شد
کنون ما، چو یک هیکل بی خلل تن ملی و روح بین الملل
علم کرده علم لنینسم را به پا می کنیم، سوسیالیسم را
ولی، گرچه در راه ما، نور هست به سرهای ما، کاملاً شور هست
گمی سرعت ما، کمی می کند همین، جان ما را غمی می کند
تو، چون مرکزی علم شورائی خداوند علم و توانائی
به اینسان کمی ها، بگو، چاره چیست؟ که اندر جهان، درد بی چاره نیست!
چه بایست کردن که بهر ظفر شود تیزی ما، از این تیزتر؟
سلام رفیقانه آتشین زشهر ستالین به شهر لنین

شهر لنین به شهر ستالین

ای کشور با سعادت تاجیک صاحب شده بر معادن و فابریک!
هر چند از انقلاب، در آن خاک شد روی زمین ز ظلم و ذلت پاک
در زیر زمین ولیک زندان هاست این زندان ها، به صورت کان هاست
در محبس خاک، قرن ها هستند دخترهای طبیعت اندر بند
این دخترها، اگر شوند آزاد کشور گردد سریع تر آباد
باید که ز رویشان نقاب افتد در زیر زمین هم، انقلاب افتد
گرد دخترکان کشور تاجیک آزاد شده ز چادر تاریک
هستند چو کادر های سوسیالیسم عامل های بنای سوسیالیسم
دختر های طبیعت آزاد هستند مصالح چنین بنیاد
تا اینکه بنای اجتماعیت گردد همه جا بنا به خیریت
باید که شود طبیعت مغرور در پنجه ما مسخر و مقهور
این قلعه به دست ما شود مفتوح این مرده، ز فن ما شود با روح
ما، لشکر عالمان شورائی در سایه اتفاق و دانائی
از صحنه علم، سر به در آریم و ز سینه کوه، زر به در آریم
از ما، ز حجاب کان، زر تاجیک آزاد شود چو دختر تاجیک
ما هر دو سپاه سوسیالیسم اجرا کن مسلک لنینیسم
شور و عمل از شما و علم از ما بی شبهه، جهان نو، کند بر پا!
آن گونه جهان که دانش اندر آن آسان آید به دست هر انسان
صد شعله سلام و حرمت و تحسین از شهر لنین به شهر ستالین

لنینگراد، اپریل ۱۹۳۳

یادداشت‌ها

۱ - منظور، دو شهر ستالین آباد و لنینگراد است